شعرای گمنام

شهاب اصفهانی آقا میرزا نصر اللّه اصفهانی متخلص بشهاب و ملقب بتاج الشعراء از سخن‏سرایان فاضل اصفهان است طغرل شاعر اصفهانی که شرح مختصر احوال و تنها اثرش را در این مجله ملاحظه‏ فرموده‏اید برادرزادهء اوست.

شهاب در سال 1291 هجری قمری در اصفهان بدیار باقی شتافته‏ دیوان اشعارش موجود است. تغزل یا قصیدهء کوتاه ذیل از اوست:

آنان که از صور بمعانی رسیده‏اند حقا که چون تو صورت و معنی ندیده‏اند آن خواجگان که دل بهوایت فروختند صد بنده همچو یوسف کنعان خریده‏اند مردان ره بمصر جمال تو چون زنان‏ دست و ترنج هر دو بیگره بریده‏اند زان لعل‏لب که چشمه خضر است تشنه‏اش‏ دلهای مرده را دم عیسی دمیده‏اند از نخل قامت تو چو موسی بگوش هوش‏ مستان ندای انی انا للّه شنیده‏اند یا رب چه صورتی تو که از فرق تا قدم‏ جسم تو را ز جوهر جان آفریده‏اند

غلمانشان غلام بود حورشان کنیز آن مادر و پدر که ترا پروریده‏اند شکرشکن‏تر از دهن عیش خسرو است‏ کام کسان که آن لب شیرین مزیده‏اند مشکی نپرورند چو زلفت بخون دل‏ آن آهوان که در ختن و چین خزیده‏اند بفراز قد ناز که با دولت تو راست‏ سرو و صنوبر از سر خجلت خمیده‏اند رویت مثال خوبی و از ابروان بر او طغراکشان صنع دو طغرا کشیده‏اند بر تار طرهء تو تنددل چو تن بجان‏ آن تار طره را مگر از جان تنیده‏اند اندر هوای گلشن وصل تو هر نفس‏ مرغان روح از قفس تن پریده‏اند بیچاره مرغ دل که براهش ازان دو زلف‏ چندین هزار دام بلا گستریده‏اند زاغند زلفکان تو ای کبک خوشخرام‏ لیکن بطرف باغ ارم آرمیده‏اند از روی پرده برفکن ای بت خدای را کز حسرت تو پرده خلقی دریده‏اند شاه فرشته‏خو که چو دیو از شهاب چرخ‏ از سهم او اعادی دولت رمیده‏اند